

نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی بنی‌اسرائیل از زبان قرآن

محمد عاشوری

(دانش‌آموخته حوزه علمیه مشهد، مدرسه عباسقلی خان)

چکیده

نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی، نقش بسزایی در شکل‌گیری سبک زندگی افراد دارد. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت بشر در میان اقوام مختلف از عقاید و رفتارهای بنی‌اسرائیل مطالب فراوانی را مکرراً بیان می‌کند. این بیانات پربسامد، از یک‌سو نشان‌گر سبک زندگی ایشان است و از سوی دیگر، پیامدهای منفی این روش حیات را برای همه مخاطبان قرآن به تصویر می‌کشاند. نتایج این پژوهش، حاکی از آن است که قرآن کریم به خوبی نگرش‌های کلی بنی‌اسرائیل را که حاکم بر حیات آنها بوده است به تصویر کشیده است، و با توجه به آنچه از مجموع آیات و روایات پیامبر اسلام • استنباط می‌شود، رسول اکرم •، خطر تحمیل سبک زندگی بنی‌اسرائیل بر مسلمانان را شناسایی و مسلمین را از تقلید از سبک زندگی ایشان نهی فرموده‌اند. نگارنده بر آنست که با توجه به نگرش و زبان قرآن، می‌توان از مفهوم سبک زندگی برای مطالعه جوامع گذشته نیز بهره برد.

کلیدواژگان: بنی‌اسرائیل، خودپر تربینی بنی‌اسرائیل، سبک زندگی، زندگی قوم بنی‌اسرائیل.

مقدمه

سبک زندگی، مفهومی است که برای نخستین بار در بستر علوم اجتماعی و روانشناسی پدیدار شد؛ اما به تدریج جای خود را در دیگر علوم مانند پزشکی، مدیریت، و حتی مطالعات دینی باز کرد.^۱ به نظر برخی از دانشمندان غربی، این مفهوم با جامعه مدرن گره خورده و در واقع، گذاری از مفاهیم تمایزات فردی و طبقه اجتماعی است.^۲ باین وجود به نظر می‌رسد، بنابر برخی تعاریف موجود از مفهوم سبک زندگی، می‌توان اقوام و جوامع پیشین را نیز بر پایه آن مورد مطالعه قرارداد.

برخی اشارات قرآن کریم را می‌توان در چارچوب تعامل‌ها و تقابل‌های فرهنگی با جاهلیت و یهود و نصاری مورد مطالعه قرارداد. از این رو به نظر می‌آید برخی از آیات قرآن درباره اقوام گذشته به ویژه بنی اسرائیل را می‌توان اشارتی به سبک زندگی ایشان دانست و از رهگذر این، هم سبک دینی آنها را ارزیابی کرد و هم به معرفی نقاط پیوند و گسست شیوه مورد رضای قرآن با سبک زندگی صحیح دینی رسید. با توجه به آنچه گذشت، در این مقاله تلاش شده است، نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی بنی اسرائیل در قالب درخت ترسیمی آدلر برای سبک زندگی مورد بازخوانی قرار گیرد. بنابراین، مهم‌ترین نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی بنی اسرائیل در شش حوزه: هستی، دیگران، خود، جنس مخالف، زندگی و مشکلات براساس گزاره‌های برخاسته از قرآن بررسی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱،۱. **بنی اسرائیل:** این واژه، ترکیبی دو کلمه است: «بنین» که هنگام اضافه، نون جمع مذکر سالم در آن می‌افتد،^۳ و «اسرائیل» که لقب حضرت یعقوب • در تورات و قرآن کریم است.^۴ این ترکیب که از نظر لغوی به معنای فرزندان یعقوب • است در اصطلاح، نام عمومی قوم یهود است.^۵

به جهت بررسی دقیق‌تر هر کدام از این دو واژه به تنهایی و در نهایت ترکیب

۱. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی؛ ابزار سنجش آن، ص ۱.

۲. یوسف اباذری، حسن چاوشیان، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۳-۲۷.

۳. ابن عقیل، بهاء‌الدین عبدالله، شرح ابن عقیل، ج ۲، ص ۴۳.

۴. بهاء‌الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۰۴۷.

«بنی‌اسرائیل» در فرهنگ قرآن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنین (بنون): این لغت، جمع سالم کلمه «ابن» به معنای فرزند انسان^۱ و هر چیزی است که از چیز دیگر متولد شود.^۲

اسرائیل: این کلمه که اصالتاً عبری^۳ و لقب یعقوب (فرزند اسحاق فرزند ابراهیم) است.^۴ در وجه تسمیه ایشان به این نام، وجوه مختلفی از جمله اسرائیل به معنای عبدالله (بنده خدا)،^۵ صفة الله (برگزیده خدا)،^۶ امیر و پیشوای مجاهد در راه خدا یا جنگجوی لشکر خدا یا به معنی سرباز خدا،^۷ محارب با خدا یا کسی که بر خدا مظفر گشته^۸ و سیرکننده در شب^۹ آمده است. البته سه وجه اخیر، غالباً از مآخذ غیر اسلامی به منابع مسلمین نفوذ کرده است؛ اما مفسران قرآن و علمای اسلام اکثراً دو وجه نخست را در تطبیق آن با یعقوب • پذیرفته‌اند.^{۱۰}

گفتنی است واژه «اسرائیل» گاهی بر غیر یعقوب • نیز اطلاق شده است؛ از جمله: اسرائیل به معنای نسل اسرائیل، اسرائیل به معنای جمع مؤنثین حقیقی که اولاد روحانی او هستند و همچنین مملکت اسرائیل با اسباط عشره به جهت تمییز از مملکت یهودا.^{۱۱}

۱،۲. بنی‌اسرائیل در قرآن: اکثر مفسران معتقدند مقصود از بنی‌اسرائیل همان بهود است؛^{۱۲} گرچه برخی، مسیحیان را نیز داخل در این مفهوم می‌دانند.^{۱۳} بهر حال هم‌سو با کاربرد تعبیر بنی‌اسرائیل در فرهنگ اسلامی، تعبیر بهود نیز برای اشاره به این قوم

۱. فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، ص ۲۵۲.

۲. ابوالحسنین احمدین فارسین زکریا، ترتیب مقایس اللغة، ترتیب و تنقیح علی عسکری و حیدر مسجدی، ص ۱۱۹.

۳. محمد خزائلی، اعلام القرآن، ص ۱۲۰.

۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۸۴.

۶. محمدباقر محقق، دائرة‌الفراند در فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۴۱۶.

۷. بطرس البستانی، نائرة‌المعارف، ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۸. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۳.

۹. محمد خزائلی، اعلام القرآن، ص ۱۳۰.

۱۰. ابوعلی الفضلین حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ابوجعفر محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹۷.

۱۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۲۶۴.

۱۲. ابوجعفر محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قیصر عاملی، ج ۱ ص ۱۸۱.

۱۳. عبدالله جوادی‌آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۵۰.

رایج است و خیلی اوقات به جای بکدیگر استفاده می‌شود.^۱ حاصل اینکه بنی اسرائیل از نظر لغوی همان نژاد یعقوب^۲ و در اصطلاح بر قوم یهود منطبق است.^۳ اکثر آنچه از بنی اسرائیل در قرآن ذکر شده، ویژگی و صفات ناپسند است؛ هرچند قرآن کریم ساحت برخی افراد این قوم را از صفات ناپسند منزه داشته است؛ مانند کسانی که قارون را نهی از منکر کردند^۴ و با راسخین در علم از یهودیان، که به پیامبر اسلام^۵ ایمان آوردند^۶ و نیز آن عده از ایشان که رعایت امانتداری (مادی و معنوی) می‌کردند و امانات را به اهل آن باز می‌گرداندند.^۷

۱.۳. سبک زندگی، یکی از مفاهیمی است که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت و با طرح مباحث مربوط به مدرنیته، هویت، مصرف و انگیزه‌های مصرف‌کنندگان از سوی جامعه‌شناسان، بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در این زمینه فراهم شد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای جامعه‌شناسانی؛ مانند ماکس وبر،^۸ گیدنز،^۹ و بلن،^{۱۰} پورديو،^{۱۱} پیترسون^{۱۲} و... انجام گرفت.^{۱۳} البته به خوبی روشن نیست که زمان دقیق پیدایش این اصطلاح و وضع آن کیست؛ اما گفته می‌شود نخستین بار، ماکس وبر (جامعه‌شناس) در سال ۱۹۲۰م، این مفهوم را در بستر علوم اجتماعی تعریف کرد و پس از مدتی کوتاه، سبک

۱. کاظم موسوی پجنوردی، نایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۶۲۹.

۲. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (دائرةالمعارف جامع اسلامی)، ج ۳، ص ۲۵۳.

۳. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۰۴۷.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۵. ابن کثیر دمشقی، تفسیرالقرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، ج ۷، ص ۴۱۶؛ وهبه‌بن مصطفی الزحیلی، التفسیر المنیر فی لعقیده والشریعة والمنهج، ج ۶، ص ۲۸.

۶. محمد صادقی تهرانی، البلاغ فی تفسیرالقرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۵۹.

۷. É » ¾ » ®

۸. Giddings.

۹. É » ¾ » ²

۱۰. P ± «. ® ¼ » «

۱۱. Peaterson

۱۲. علی اکبر مجدی و دیگران، «سبک زندگی جوانان ساکن مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱-۱۳۲.

زندگی توسط آلفرد آدلر (روان‌شناس اجتماعی)^۱، در حوزه روان‌شناسی تعریف شد.^۲ این مفهوم پس از طرح در دهه ۲۰ قرن بیستم، پس از یک دوره افول، مجدداً از سال ۱۹۶۱ مورد اقبال اندیشمندان و به‌ویژه جامعه‌شناسان قرار گرفت.^۳

در تعریفی کلی و ساده می‌توان سبک زندگی را (شیوه زندگی) یا به‌نحو دقیق‌تر، الگوها و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف کرد.^۴ اما این تعاریف تنها ناظر به برداشتی لغوی از سبک زندگی است و می‌توان گفت متأسفانه از مفهوم سبک زندگی تاکنون تعریف جامعی انجام نپذیرفته است. دانشمندان مختلف با توجه به حوزه کاری و رشته خود آن را مورد تعریف قرار داده‌اند تا جایی که برخی از این تعاریف به شدت با هم متفاوت و گاهی در تعارضند.^۵ ما نیز در این مجال به دنبال آرایه تعاریف مختلف از این مفهوم نیستیم، لذا به وجه مشترک این تعاریف توجه می‌کنیم.

تقریباً در همه تعاریف، می‌توان دو مفهوم وحدت و تمایز را مشاهده کرد. به این معنی که سبک زندگی، حاکی از مجموعه عناصری است که کم‌وبیش به‌طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک کل را پدید می‌آورند. همین اتحاد و نظام‌مندی، این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند.^۶

لذا شاید با اندکی اصلاح، تعریف سو بل^۷ را بتوان تعریفی جامع برای سبک زندگی دانست. از نظر وی سبک زندگی عبارت است از هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن^۸ با توجه به این نکته که این شیوه می‌بایست میان تعداد کثیری از مردم عمومیت داشته باشد.

۱.۴. درخت، ریشه‌ها و ساقه سبک زندگی (نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی):

درخت سبک زندگی، تصویری بسیار ساده از نمودار رشد شخصیت آدلر است که

۱. B ¼ ¼ ¼ » ®

î ò Ì Ì § ® ے Ȳ Ę ñ æ ï ç ç è ò ° ò Ì è ò

۳. علی‌اکبر مجددی و دیگران، «سبک زندگی جوانان ساکن مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲.

۴. مصطفی ازکیا و سکینه حسینی‌رودبارکی، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۳۷، ص ۲۴۶.

۵. محمدسعید مهدوی‌کنی، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹.

۶. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی؛ ابزار سنجش آن، ص ۳۵.

۷. Á ± ¾ » ˘

۸. Á ± ¾ » ˘ Ó ß æ ï ç è ï ò ° ò î é ó î è ò

توسط آنتونی بروک ترسیم و به دست هنری استین اصلاح شد.^۱ در واقع، آدلر و پیروان او سبک زندگی هر فرد از شکل‌گیری تا پیامدها و آثار آن را به یک درخت تشبیه کرده‌اند.^۲ این درخت ریشه‌ها، ساقه و سرشاخه‌هایی به شرح زیر دارد:

این درخت دارای پنج ریشه است که بیان‌گر دوران سازنده کودکی و تأثیرهای آغازین هر کدام از آنها در انتخاب الگوی اولیه سبک زندگی است. این ریشه‌ها عبارتند از: سلامتی و ظاهر فرد، وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده، نگرش‌های والدین، شکل جمعی خانواده و نقش جنسیتی.

ساقه این درخت را می‌توان مهم‌ترین بخش مفهوم سبک زندگی دانست تا جایی که گفته شده سبک زندگی، ساقه این درخت است که عبارتست از: الگوهای نسبتاً ثابت فرد در تفکر، احساس و عمل.^۳ این ساقه در نگاه آدلری‌ها به پنج‌بخش زیر تقسیم می‌شود: نحوه نگرش به خود، نحوه نگرش به مشکلات، نحوه نگرش به دیگران، نحوه نگرش به جنس دیگر و نحوه نگرش به زندگی.^۴ البته برخی محققان که از زاویه مطالعات دینی به این درخت توجه کرده‌اند، و در صدر این نگرش‌های کلی، نحوه نگرش به هستی را نیز به ساقه درخت سبک زندگی اضافه نموده‌اند.^۵

۲. سبک زندگی بنی اسرائیل از زبان قرآن

همان‌طور که گذشت، در این مقاله می‌خواهیم مفهوم سبک زندگی را که در دنیای امروز یکی از ابزارهای سنجش جامعه و فرد در بستر علوم مختلف است، بسط بدهیم و اثبات کنیم در صورتی که گزاره‌هایی صادقانه چون گزاره‌های قرآن کریم در اختیار پژوهشگران باشد می‌توانند برای مطالعات مختلف اجتماعی، روانشناسی، پزشکی و دینی جوامع قدیم نیز از این ابزار بهره ببرند؛ بنابراین این مفهوم سبک زندگی تنها در متن دنیای مدرن معنی نمی‌یابد.

به‌همین منظور در اثر حاضر، در پی آن هستیم تا نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی بنی اسرائیل را براساس اطلاعات قرآنی، تفسیری و روایی و بر پایه چارچوب ترسیمی آدلری‌ها برای سبک زندگی، مورد مطالعه قرار دهیم. چراکه بر اساس روایتی

۱. « $\pm 2 \frac{1}{4}$ ٪ $\bar{O} \bar{E}$ » $\bar{B} \bar{a} \bar{e} \bar{I} \bar{D} \bar{D} \bar{I} \bar{D}$

۲. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی؛ ابزار سنجش آن، ص ۸۶.

۳. همان، ص ۹۲.

۴. « $\pm 2 \frac{1}{4}$ ٪ $\bar{O} \bar{E}$ » $\bar{B} \bar{a} \bar{e} \bar{I} \bar{D} \bar{D} \bar{I} \bar{D}$

۵. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی؛ ابزار سنجش آن، ص ۱۵۱.

مستفیض^۱ از رسول اکرم •، مسلمانان از تبعیت و تقلید از یهود و نصاری به‌طور جد نهی شده‌اند^۲ و تفسیر عصری این روایت را می‌توان در قالب اشارات قرآن به سبک زندگی بنی‌اسرائیل پیگیری نمود. به این ترتیب که معتقد باشیم قرآن سبک زندگی اسلامی؛ سبک زندگی بنی‌اسرائیل را به‌عنوان فرهنگی تأثیرگذار بر مسلمانان معرفی کرده است و آنچه پیامبر اکرم •، طبق روایت پیش گفته، از مسلمانان انتظار دارد این است که به جای تقلید از شیوه یهود و نصاری در زندگی، سبک خود را در زندگی داشته باشند.

۲.۱. نگرش بنی‌اسرائیل به هستی

نگرش‌های کلی، چنان که آدلری‌ها نیز بر آن تاکید دارند، در تمام رفتارهای زندگی روزمره انسان همچون نخعی میان مهره‌ها حضور جدی دارند. البته چنانچه گذشت، ساقه درخت سبک زندگی آدلری، فاقد نحوه نگرش به هستی است؛ اما وقتی از زاویه مطالعات دینی به درخت سبک زندگی بنگریم، ناگزیر نحوه نگرش به هستی باید مورد بررسی قرار گیرد. نگرش به هستی از دریچه ایمان به غیب، پیوستگی دنیا و آخرت، طبیعت، زمین و توحید خالق مورد بررسی قرار گرفته است.^۳ ما نیز در این پژوهش به جهت جلوگیری از اطاله کلام تنها نوع نگرش بنی‌اسرائیل به امور غیبی را بررسی کرده‌ایم.

مفهوم غیب در قرآن، مقابل شهادت یا حضور است^۴ و براساس روایات تفسیری شامل اموری چون: توحید خدا، نبوت انبیا، رجعت، برانگیخته‌شدن، بهشت و دوزخ، و حتی قیام قائم و...^۵ می‌شود. بنابر گزارش قرآن، بنی‌اسرائیل نسبت به غیب عالم ایمان صحیحی نداشتند. ایشان صاحب تفکری مادی بودند و می‌خواستند همه پدیده‌های هستی و حتی خدا، را در این قالب ارزیابی نمایند. برای شناخت نگرش مادی ایشان می‌توان به بیان علامه طباطبائی • ذیل آیه ۱۳۸ سوره اعراف اشاره نمود که می‌گوید:

«إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا يُسْتَفَادُ مِنْ قَصَصِهِمْ كَانُوا قَوْمًا مَادِيينَ حَسِيينَ بَجْرُونِ فِي

۱. روایتی که از خبر واحد فراتر باشد و به حد تواتر نرسد؛ مستفیض نامیده می‌شود. محمدحسن ربانی پیرچندی، ص ۸۷.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، ج ۲، ص ۴۱۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۳۰، ص ۲۸۳۱.

۳. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی؛ ابزار سنجش آن، ص ۱۵۱-۱۶۴.

۴. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۸۹.

۵. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، ج ۱، ص ۹۲.

حیاتهم علی أصالة الحسّ ولا يعتنون بما وراء الحسّ إلا اعتناءً تشریفياً من غیر أصالة ولا حقیقه، ...»^۱

البته بنی اسرائیل در عرصه‌های مختلف، اعتقاد نداشتن واقعی خود به خدا و تسلیم نبودن در برابر اوامر الهی را نشان داده‌اند؛ از جمله: سرپیچی از فرمان الهی مبنی بر جهاد،^۲ سرپیچی از فرمان الهی در ذبح بقره،^۳ گوساله پرستی در غیاب حضرت موسی^۴،^۵ قراردادن فرزند برای خداوند،^۶ اعتقاد به ناتوانی خداوند سبحان،^۷ نسبت دادن فقر به خداوند غنی،^۸ و برخی نسبت‌های ناروای دیگر.

این قوم به دیگر پدیده‌های متصل به خداوند متعال؛ از جمله، کتب، انبیاء و فرشتگان الهی نیز نگرشی توحیدی نداشتند؛ به طوری که بر اساس برخی از شأن نزول‌های مذکور برای آیه ۹۱ از سوره انعام، ایشان اصلاً قائل به حدوث وحی الهی بر بشر نبودند.^۹ یا اینکه بنا بر گزارش قرآن کریم، آنها انبیای الهی را تکذیب^{۱۰} و به ساحت قدس ایشان اهانت می‌کردند^{۱۱} و در سرپیچی از فرامین فرستادگان خدا، ید طولایی داشتند.^{۱۲} همچنین ایشان در اعتقاد به فرشتگان الهی به صورت گزینشی عمل می‌کردند؛ چنانکه طبری ذیل آیه ۹۷ بقره می‌نویسد:

«أجمع أهل العلم بالتأویل جميعاً علی أن هذه لآیه نزلت جواباً لليهود من بنی اسرائیل، إذ زعموا أن جبریل عدو لهم، و أن میکائیل ولی لهم.»^{۱۳}

از ابن عباس نیز درباره شأن نزول آیه یادشده، روایت شده که روزی ابن‌صوری^{۱۴} با عده‌ای از یهودیان فدک برای طرح سؤالاتی نزد پیامبر • آمدند و سؤالاتی از جمله

۱. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۸، ص ۲۳۴.

۲. مائده/۲۴.

۳. بقره/۶۷-۷۱.

۴. بقره/۵۱ و ۹۲؛ اعراف/۱۴۸-۱۴۹؛ طه/۸۵-۸۶.

۵. توبه/۳۰.

۶. مائده/۶۴.

۷. آل عمران/۱۸۱.

۸. ابوعلی الفضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۴، ص ۵۱۵.

۹. بقره/۴۱ و ۸۷؛ مائده/۱۱۰؛ شعراء/۱۹۹.

۱۰. بقره/۶۷-۷۱؛ مائده/۲۴.

۱۱. بقره/۲۴۶-۲۴۸.

۱۲. ابو جعفر محمد بن جریر طبری، جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۳۴۲.

۱۳. بزرگ یهودیان در زمان رسول‌الله.

کیفیت خواب آن حضرت، وصف پروردگار و... پرسیدند. حضرت همه پرسش‌ها را پاسخ گفتند و آنان حضرت را تصدیق نمودند تا اینکه گفتند: یک مطلب دیگر باقی است. اگر به آن پاسخ مناسب بدهی به تو ایمان می‌آوریم و آنگاه پرسیدند: نام فرشته وحی تو چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل. آنان گفتند: اگر میکائیل بود به تو ایمان می‌آوردیم؛ چراکه جبرئیل دشمن ما است و سختی و جنگ برایمان نازل می‌کند؛ اما میکائیل گشایش و آسانی برایمان می‌فرستد.^۱

۲.۲. نگرش بنی‌اسرائیل به دیگران

نگرش بنی‌اسرائیل به دیگران تا حدود زیادی در چارچوب نحوه نگرش ایشان به خودشان قابل تحلیل است. آنها به نوعی برتری بر دیگران باور داشتند و تعامل‌شان با دیگران از راه تحقیر، سلطه و خیانت برقرار بود. به عنوان مثال می‌توان به مرزبندی بین خودشان و دیگران و نگاه تبعیض‌آمیزشان در اجرای احکام اشاره کرد که دیگران را «امّی» می‌خواندند و معتقد بودندند ایشان حقی بر گردن‌شان ندارند که یهودیان ملزم به ایفای آن باشند.^۲

علامه طباطبائی • ذیل همین آیه می‌نویسد:

«آری یهودیان این‌طور معتقد بودند همچنان‌که امروز هم عقیده دارند که تافته‌ای جدابافته‌اند و در درگاه خدای تعالی احترام و کرامتی خاص به خود دارند و آن این است که خدای سبحان نبوت و کتاب و حکومت را به ایشان اختصاص داده و هیچ قومی دیگر نمی‌توانند دارای چنین امتیازاتی بشوند. پس سیادت و تقدّم بر دیگران هم خاص ایشان است و از این اعتقاد باطل، نتیجه‌ها و بر این پایه سست، دیوارها چیدند و مثلاً غیراسرائیلی را محکوم کردند به اینکه باید حقوقی را که خدا فقط برای آنان تشریح کرده رعایت کنند؛ ایشان ربا بخورند و دیگران ربا بدهند و کمترین اعتراض هم نکنند... برای اسرائیلی تنها خوردن مال اسرائیلی دیگر حرام است؛ اما مال غیراسرائیلی و حقوقش بر اسرائیلی مباح است.»^۳

با توجه به کلام علامه به نظر می‌رسد، همین انگاره‌های باطل و برتری‌جویی‌های بی‌اساس بود که بنی‌اسرائیل را برای رباخواری و خوردن مال مردم تشجیع می‌کرد و با

۱. ابوعلی الفضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. آل عمران/۷۵؛ فیض الاسلام: ۱۳۷۸، ۱۲۰/۱.

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۲۶۲.

اینکه از این امور نهی شده بودند باز، اعتنایی به دستورات دینی‌شان نداشتند.^۱

۲.۳. نگرش بنی‌اسرائیل به خود

سخن درباره نحوه نگرش به خود، نسبت به بنی‌اسرائیل، ناظر به خود نوعی آنهاست که جنبه مشترک میان آن قوم است، نه ویژگی‌ها و تمایزات فردی آنها. قرآن کریم، این قوم را انسان‌هایی خودشیفته، نژادپرست، راحت‌طلب، بهانه‌جو، عهدشکن و به شدت چسبیده به حیات مادی و... معرفی می‌کند.

خودشیفتگی ایشان را می‌توان از موضع‌گیری قرآن در برابر خودستایی‌های بی‌منطق‌شان در آیه ۴۹ سوره نساء دید. نژادپرستی ایشان را نیز می‌توان در ادعاهای‌شان در مورد چیزهایی که حتی آنها را قبول ندارند همچون: ما دوستان و فرزندان خدا هستیم،^۲ بهشت از آن ما است،^۳ هدایت فقط از آن ما است،^۴ ابراهیم از آن ما است،^۵ ما از آتش جهنم مصون هستیم^۶ و پاسخ قرآن به این ادعاها پیگیری نمود. در خصوص راحت‌طلبی آنها نیز می‌توان به آیه «قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۷ اشاره کرد که در این آیه، بنی‌اسرائیل با گستاخی به موسی • می‌گویند: تا آنها در این سرزمین‌اند ما هرگز وارد آن نخواهیم شد، تو و پروردگارت که به تو وعده پیروزی داده است بروید و با عمالقه بجنگید هنگامی که پیروز شدید ما را خبر کنید و ما در اینجا نشستیم. ^۸ یکی از مفسران ذیل این آیه می‌نویسد:

«بنی‌اسرائیل نمونه‌ای از بی‌ادبی، بهانه‌جوئی، ضعف و رفاه‌طلبی بودند: «یا موسیٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا...». در کلمه «لَن نَدْخُلُهَا» جسارت آنان در مقابل فرمان خدا آشکار است. در کلمه «ابدًا» اصرار بر جسارت دیده می‌شود؛ در کلمه «فَاذْهَبْ» توهین به حضرت موسی • مشاهده می‌شود؛ در کلمه «رَبِّكَ» توهین به ذات پروردگار وجود دارد و نشان‌گر ضعف ایمان آنان است و «قَاعِدُونَ» رفاه‌طلبی آنان و نه عزت‌جویی‌شان

۱. نساء/۱۶۱؛ توبه/۳۴.

۲. مائده/۱۸.

۳. بقره/۱۱۱.

۴. بقره/۱۳۵.

۵. بقره/۱۴۰.

۶. بقره/۸۰.

۷. مائده/۲۴.

۸. ناصر مکارم‌مشیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۴۲.

را می‌رساند.^۱

در خصوص بهانه‌جویی بنی‌اسرائیل نیز می‌توان به آیات ۵۰ و ۶۷ تا ۷۱ از سوره بقره، همچنین آیه ۱۵۳ از سوره نساء مراجعه کرد. عهدشکنی ایشان نیز در آیات ۱۸۷ از سوره آل عمران، ۱۶۳ تا ۱۶۶ و ۱۶۹ از سوره اعراف به تصویر کشیده شده است. دنیاطلبی این قوم نیز به انحای مختلف در قرآن بیان شده؛ اما صریح‌ترین آن، آیه زیر است:

«وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوَةٍ وَ مِنْ الَّذِينَ أَسْرَكُوا يَهُودَ أَحَدَهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَحِّزٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ»^۲ «و آنان را مسلماً آزمندترین مردم به زندگی، و [حتی حریص‌تر] از کسانی که شرک می‌ورزند خواهی یافت. هریک از ایشان آرزو دارد که کاش هزارسال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند داشت. و خدا بر آنچه می‌کنند بیناست.»

یکی از مفسران قرآن، کلیدی‌ترین دلیل مخالفت ایشان با دستورات پیامبر اسلام • و حتی اوامر موجود در تورات و پیامبرکشی‌های بنی‌اسرائیل را همین چسبندگی به منافع مادی می‌داند.^۳

۲.۴. نگرش بنی‌اسرائیل به زن

قرآن کریم در خصوص نگرش بنی‌اسرائیل به زن، اشاره صریحی ندارد؛ اما برخی مفسران ذیل ۲۲۲ از سوره بقره که از نحوه رابطه با زنان در هنگام عادت ماهیانه سخن به میان آورده است، این آیه را ناظر بر رفتار یهود و نصاری با زنان در این ایام می‌دانند و علت پرسش مسلمانان از پیامبر اسلام • در خصوص نحوه ارتباط با همسرانشان را روش افراطی و تفریطی یهود در خصوص ارتباط با زنان در ایام عادت ماهیانه معرفی کرده‌اند.^۴

۱. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۶۲-۶۳.

۲. بقره/۹۶.

۳. «و نحن لا نكش أبداً بأن مسألة تكذيب اليهود لمحمدص ليست مسألة إيمانهم بخصوص ما ينزل عليهم من الوحي تعصبا لجنسيتهم، كلا، وألف كلا.. إن الدافع الوحيد للتكذيب هو مصالحهم الشخصية، ومنافعهم المادية، انهم يعيشون على الغش والربا والدعارة، و محمدص يحرم ذلك، فكيف يؤمنون به؟ والدليل انهم كفروا بتوراتهم، وقتلوا أنبياءهم، ولا سبب الا حرصهم على المنفعة الذاتية، وكل من حرص على منفعتة لا يجدى معه جدال بالحسنی، و في قوله تعالى: (وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ) اشعار بهذه الحقيقة. وما عدا هذه الآية الكريمة من المحاجة انما جرت معهم مجرى النقاش، والإلزام بالحجة، تماما كما تقول: لو سلمنا جدلا.» محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۱۵۶.

۴. قرطبی در این باره می‌نویسد: «قوله تعالى: (و يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ) ذكر الطبري عن السدي أن السائل ثابت بن الدحداح... و سبب السؤال فيما قال قتادة وغيره: أن العرب في المدينة و ما والاها كانوا قد استنوا بسنة

پاره‌ای از دیدگاه ایشان نسبت به زندگی را می‌توان در نحوه نگرش بنی اسرائیل به هستی، خود و دیگران دنبال کرد. اما اساسی‌ترین نگرش ایشان به زندگی را می‌توان همان دل‌بستگی عمیق به دنیا و فرار از مرگ دانست که حقیقتی انکارناشدنی است. با رجوع به متن و تفسیر آیات ۹۶ بقره و آیات ۸ تا ۶ سوره جمعه می‌توان به این نتیجه دست یافت.

۲.۵. نگرش بنی اسرائیل به مشکلات

چنانچه گذشت، بنی اسرائیل رفاه‌طلب بودند و اصلاً نمی‌خواستند خود را به دامن مشکلات بیندازند. به همین جهت در بسیاری از ابتلائات الهی، سر بلند خارج نشدند. بهانه‌جویی‌های ایشان در جریان ورود به بیت المقدس که آیه ۲۴ از سوره مائده در پی بیان آن است و روایات تفسیری که ذیل آیه ۵۰ از سوره بقره، جریان بهانه‌جویی‌های ایشان در گذر از بحر را به تصویر می‌کشد،^۱ می‌تواند نحوه نگرش ایشان به مشکلات را به ما نشان دهد.

نتیجه‌گیری

۱. دایره تحقیق در سبک زندگی را می‌توان از متن جوامع مدرن به جوامع سنتی نیز کشاند و بر اساس گزاره‌های مطابق با واقعیت، روح حاکم بر فضای زندگی اقوام گذشته را در بستر علوم مختلف بررسی نمود. بر اساس الگوی ترسیمی آدلر و پیروان او از درخت سبک زندگی، با افزودن یک آیتم، مهم‌ترین نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی بنی اسرائیل در شش حوزه: هستی، دیگران، خود، جنس مخالف، زندگی و مشکلات بر اساس گزاره‌های برخاسته از قرآن به ترتیب عبارتند از:

الف) هستی: عدم ایمان بنی اسرائیل به غیب عالم و عالم غیب؛

بنی اسرائیل فی تجنب مؤاکلة الحائض و مساکنتها، فنزلت هذه الآية. و قال مجاهد: كانوا يتجنبون النساء فی الحیض، ویأتونهن فی أدبارهن مدة زمن الحیض، فنزلت. و فی صحیح مسلم عن أنس: أن اليهود كانوا إذا حاضت المرأة فیهم لم یؤاکلوها ولم یجامعوهن فی البیوت، فسأل أصحاب النبی • النبی • فأنزل الله تعالی: «وَسئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ فاعْتَزَلُوا النساء فی الْمَحِیضِ» إلى آخر الآية، فقال رسول الله • «صنعوا کل شیء إلا النکاح» فبلغ ذلك اليهود، فقالوا: ما یرید هذا الرجل أن یدع من أمرنا شیئاً إلا خالفنا فیه، فجاء أسیدبن حضیر و عبادبن بشر فقالا: یا رسول الله، إن اليهود تقول کذا و کذا، أفلا نجامعهن؟ فتغیر وجه رسول الله •، حتی ظننا أن قد وجد علیهما، فخرجا فاستقبلهما هدیة من لبن إلى رسول الله •، فأرسل فی آثارهما فسقاها، فعرفا أن لم یجد علیهما. قال علماؤنا: كانت اليهود والمجوس تجتنب الحائض، و كانت النصارى یجامعون الحیض، فأمر الله بالقصد بین هذین» محمدبن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۸۱.

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵.

ب) دیگران: تحقیر، سلطه‌گری و خیانت به دیگران غیر هم‌کیش؛
پ) خود: خودشیفتگی، نژادپرستی، رفاه‌طلبی، بهانه‌جویی، عهدشکنی و دلبستگی افراطی به دنیا؛

ت) جنس مخالف: تحقیر و استفاده‌ایزاری از جنس مخالف(زن)؛

ث) زندگی: دلبستگی شدید به دنیا و فرار از حقیقت انکارناشدنی مرگ؛

ج) مشکلات: فرار از مشکلات و پرهیز از مواجهه با آن.

۲. سبک زندگی بنی‌اسرائیل درمقابل سبک زندگی قرآن است و بنابر برخی روایات، پیامبر اکرم ﷺ بر آن بودند تا مسلمانان را از گرفتاری به سبک زندگی بنی‌اسرائیل برحذر دارند.

منابع

قرآن کریم.

۱. اباذری، یوسف، چاوشیان، حسن، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۱، ۲۷-۳.

۲. ابن‌عقیل، بهاء‌الدین عبدالله، شرح ابن‌عقیل، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ نهم، ۱۳۸۴.

۳. ابن‌فارس، ابوالحسین احمدبن فارس بن زکریا، ترتیب مقایس اللغه، ترتیب و تنقیح علی‌عسکری و حیدر مسجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.

۴. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیرالقرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۵. ازکیا، مصطفی، حسینی‌رودبارکی، سکینه، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، ش ۳۷، ۲۶۴-۲۴۱.

۶. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۷. البستانی، بطرس، دائرةالمعارف، بیروت، نارالمعرفة، بی‌تا.

۸. جوادی‌آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، چشمش، اسفند ۱۳۸۶ ش.

۹. حسینی‌دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف (دائرةالمعارف جامع اسلامی)،

- تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، چ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. خزائلی، خزائلی تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ششم، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. ربانی، محمدحسن، دانش درایة الحدیث همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. زحیلی، هبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، دمشق، بیروت، دارالفکر المعاصر، چ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. صادقی‌تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، چ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۶۷ ش.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران، انتشارات فقیه، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. فیض‌کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم،

- دارالکتاب، چ‌چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲۶. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ‌دوم، ۱۳۹۲ش.
۲۷. مجدی، علی‌اکبر، صدر نبوی، رامپور، بهروان، حسین، هوشمند، محمود، «سبک زندگی جوانان ساکن مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفتم، ش ۲، ۱۳۸۹، ۱۶۱-۱۳۱.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤتسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۹. محقق، محمدباقر، نائرة الفرائد در فرهنگ قرآن، تهران، انتشارات بعثت، چ‌دوم، ۱۳۶۴ش.
۳۰. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، چ‌دوم، ۱۳۷۷ش.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز کتاب لترجمه والنشر، ۱۴۰۲ق.
۳۲. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۳۳. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۴. موسوی‌بجنوردی، کاظم، نایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز نائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.
۳۵. مهدوی‌کنی، محمدسعید، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱، پائیز ۱۳۸۶، ۲۳۰-۱۹۹.
۳۶. Lalonde A, The style of life tree: 2003, Alfred Adler Institutes of SanFrancisco & NorthwesternWashington, Available at: <http://WWW.Adlerian.us/tree.Htm>.
۳۷. Sobel Michael A(1981), Lifestyle and Social Structure: Concepts,Definition,Analysis, New York, Academic press, 1981.
۳۸. Thyra C Uth(1996), Definition of Lifestyle and its Application to Travel Behavior, Paper Prepared for Trafikdage på AUC August19-20, 1996, Aalborg, Denmark.